



حسن فرخی

صورت زن / کو؟
(برای پری نصرتی اسمعیلی)

پشت میز کنکاش می نشینم / نشسته‌ام.

تاوانش هر چه!

ذکر گویمت، آهان!

- شما نگران چی هستید؟

لب بخواید / این طوری!

به خداحافظی می‌رسید.

روی سنگ من چرا امضاء می‌گذارید؟

(صورت زن / کو؟)

این جا

در این سطر

سراغ عطر و بوی زن را می‌گیرد

(ماه!)

شانه به سرها می‌آیند.

مطلب از این قرار است. تکانم بده، آهان!

این جا

هوای ابرها را دارم

در برهوت تنم

در جریان این همه کلمه خیس هستید که؟

من
خاطره گندم را به شهادت می‌گیرم.
برای عطر نان می‌میرم.
این است زندگی!
و از زلال نگاهت به خواهش باران می‌رسم، که
این طور!
این جا
هوای کوچه‌باغ‌ها را دارم
در احتیاط کامل از هر سو و این حرف‌ها!
و گیاهان را به شهادت می‌گیرم برای بلوغ زمین!
هرزه علف‌ها را زیر پا می‌گذارم
زیر پا می‌گذارم
زیر پا!
هوای محبوبه‌های شب را دارم.
گوش بده
در کوچه‌ها و خیابان‌ها هر چه هست به خبرهای
زخم‌خورده نگر
حجم شب را میان دست‌هایم می‌گیرم
تو هم بگیر در پرانتز!
از پشت میز کنکاش برمی‌خیزم / شکسته‌ام.
تاوانش هر چه!
کشته تو، آهان!
- شما زخمی چه چیزی هستید؟
بیایید سبیده بخوانید.
در جریان کلمات تیرخورده هستید که؟
در انکار من چرا اصرار می‌کنید؟
(صورت زن / کو؟)
این جا
در این سطر
سراغ حرف‌احرف نام تو را می‌گیرد
(ماه!)